گفت‌وگو با جلال جلالی‌زاده درباره مواجهه اقوام ایرانی با انتخابات ریاست‌جمهوری

رمضان‌زاده نامزد انتخابات شود

فیض‌الله پیری: نماینده اسبق سنندج در مجلس معتقد است که عبدالله رمضان‌زاده می‌تواند کاندیدای مشترک اقوام ایرانی و اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده باشد. جلال جلالی‌زاده با اشاره به محبوبیت سخنگوی سابق دولت در میان کردها، اهل سنت و پیروان مذاهب دیگر، معتقد است رمضان‌زاده می‌تواند با اشتراک فکری با اصلاح‌طلبان یکی از پتانسیل‌های مهم برای انتخابات باشد. وی به سابقه اجرائی، دانش سیاسی و حرفه‌ای‌بودن سخنگوی دولت خاتمی در سیاست اشاره می‌کند و می‌گوید: او می‌تواند مطالبات طیف‌های وسیعی از جامعه تحول‌خواه را نمایندگی کند. جلالی‌زاده در این مصاحبه همچنین از مواجهه اقوام ایرانی با انتخابات ریاست‌جمهوری سخن می‌گوید.

شما اخیرا نام آقای رمضان‌زاده را به‌عنوان کاندیدای اصلاح‌طلبان و اقوام و مشخصا کردها مطرح کرده‌اید. چه دلایل مشخصی برای طرح موضوع دارید؟

کردها همیشه در تاریخ ایران، نقش‌آفرین بوده‌اند. مخصوصا در مقاطع حساس کردها از نظر سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی در معادلات ایران نقش‌آفرینی می‌کنند و اگر شخصیت‌های بزرگ کرد را در طول تاریخ مورد بررسی قرار دهیم، از مادها تا امروز، سردارها، دانشمندان و بزرگانی از میان آنها برخاسته‌اند که مایه افتخار کرد و ایرانی بوده‌اند و توانسته‌اند در بزنگاه‌های تاریخی به نجات ایران بیایند؛ سردارانی مثل زندیه تا رجال نقش‌آفرین در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت. می‌توانیم از متأخرین از امثال کریم سنجابی و نقش‌آفرینی چهره‌های شاخص در انقلاب اسلامی یاد کنیم. کردها با ایران عجین‌اند و سرنوشت کردها و ایران با هم گره خورده و مشترک است. باوجوداین متأسفانه کردها همواره از سوی عده‌ای و جریانی خاص مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. چنین است که جایگاه و پایگاهی که کردها باید کسب کنند و از این منظر باید به آنها نگریسته می‌شد، امروز نمی‌بینیم. در وضعیت فعلی -بعد از پیروزی انقلاب تاکنون- متأسفانه فرصتی برای کردها فراهم نشده که بتوانند استعداد و لیاقت خود را بیشتر نشان دهند و توانایی‌هایش را به دیگر ایرانیان معرفی و در خدمت به هم‌وطنان خود نقش‌آفرینی کنند. در موضوع ریاست‌جمهوری هم با توجه به اینکه کردها جمعیت کثیری در ایران هستند، مشخصا چند استان کردنشین داریم و از طرفی جمعیت زیادی از آنها در مناطق مختلف ایران از شمال تا جنوب پراکنده‌اند، نیازمند این هستیم که استعداد و توانایی آنها به نسبت لیاقت و شایستگی‌شان به منصه ظهور برسد. تاکنون هم اگر مدیریت و مسئولیت حداقلی به آنها واگذار شده، با صداقت و درستی آن را به انجام رسانده‌اند. بحث ما این نیست که مسئولیت‌ها تقسیم شود و در هر مقطعی به گروهی یا استانی واگذار شود. مثلا ریاست‌جمهوری حدود ۱۶ سال است به سمنانی‌ها واگذار شده، دو رئیس‌جمهور از این استان حتی یک شهرستان بوده است؛ یا رئیس‌جمهوری‌های دیگر از کرمان و یزد آمده‌اند. شخصیت‌های توانمندی در میان کردها هستند که می‌توانند به نجات ایران کمک کنند. همچنان‌که شخصیتی مثل مهندس زنگنه چندین دوره، وزیر نفت هستند و توانسته مدیریت نفت را موفقیت‌آمیز اداره کنند و هیچ‌کس هم نتوانسته از وی نقطه‌ضعفی بگیرد. اکنون هم بر این باورم که اشخاصی مثل رمضان‌زاده البته برای مثال می‌توانند به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری نقش‌آفرینی کنند و در این برهه خاص از ظرفیت ایشان در انتخابات استفاده شود. البته متأسفانه آقای رمضان‌زاده هم چندین بار فرصت‌سوزی کرده‌اند.

در دوره‌ای هم که سخنگوی دولت بودند، مرحوم مهندس ادب و شما این پیشنهاد را مطرح کردید.

بله، زمانی که نماینده مجلس بودیم، جلسه‌ای با مرحوم مهندس ادب و آقای رمضان‌زاده داشتیم. مهندس ادب مشخصا پیشنهاد را مطرح کردند و گفتند که قانون اساسی اهل سنت را از کاندیداتوری انتخابات ریاست‌جمهوری محروم کرده اما شما به‌عنوان کرد شیعه می‌توانید کاندیدای ریاست‌جمهوری باشید؛ هم به خاطر تخصص و تجربه و هم به خاطر مردمی که به شما اعتماد دارند و محبوبیت دارید. گفتیم خود را کاندیدا کنید. متأسفانه آقای رمضان‌زاده زیر بار نرفتند و نپذیرفتند.

ظاهرا آن موقع به آقای حیدری‌زاد نماینده ایلام در مجلس ششم هم پیشنهاد شد.

بله، ما در سطح ایران چهره‌های زیادی در میان کردها داریم که می‌توانند داوطلب انتخابات ریاست‌جمهوری باشند. از خراسان شمالی، تا ایلام، کرمانشاه و آذربایجان غربی.

آقای ادب بعدها از آقای رمضان‌زاده گله‌مند شدند. یادم می‌آید در نشست اصلاح‌طلب کرد در تهران این گله‌مندی را مطرح کردند.

به نظرم آقای رمضان‌زاده خودشان هم پشیمان شده باشند. چون در آن زمان فرصت خوبی بود. معتقدم پتانسیل و ظرفیت آقای رمضان‌زاده در آن زمان زیاد بود و حتی از آقای معین محبوبیت بیشتری داشتند. اگر او می‌آمد، شاید برخی کاندیداهای اصلاح‌طلبان وارد صحنه نمی‌شدند. رمضان‌زاده هم می‌توانست کابینه قوی انتخاب کند و هم کشور را به‌خوبی مدیریت کنند.

به‌هرحال به‌عنوان کاندیدای تشکیلاتی اصلاح‌طلبان معرفی نشده بود.

چون آقای رمضان‌زاده هیچ واکنش و تمایلی از خود نشان ندادند که از سوی اصلاح‌طلبان هم مورد توجه قرار گیرد یا برای ایشان فعالیتی صورت بگیرد. متأسفانه بحث کاندیداتوری در مرحله پیشنهاد متوقف شد. اگر در جاهای دیگر این پیشنهاد مطرح می‌شد، به نظرم ظرفیت قابل‌توجهی بودند. از طرفی به نظرم از جانب اصلاح‌طلبان هم به‌نوعی کم‌لطفی به آقای رمضان‌زاده شد.

یعنی فکر می‌کنید اصلاح‌طلبان هم به آقای رمضان‌زاده گرایش داشتند؟

به صورت فردی، خیلی از اصلاح‌طلبان در آن زمان با ایشان موافق بودند و قبول داشتند. از پیشنهاد هم استقبال می‌کردند. اما وقتی چهره‌هایی مانند معین، کروبی و هاشمی مطرح شد، مسئله جوری دیگر پیش رفت. به نظرم حمایت جبهه مشارکت از دکتر معین به‌نوعی تحمیلی و تعارف بود. وقتی که پیشنهاد دکتر معین در جبهه مشارکت مطرح شد، شورای مرکزی خیلی تمایل نداشتند. اما خود اعضای استانی و شهرستانی و جوان‌های بااحساسی تمایل داشتند که یک کاندیدای مستقل از جانب مشارکت و سازمان مجاهدین معرفی شود. این باعث شد که باتجربه‌ها هم تحت تأثیر جوانان شوند و چنین شد که دکتر معین به‌عنوان کاندیدا مطرح شد. در آن زمان آقای خاتمی می‌توانست در کم‌کردن تعداد کاندیداها و معرفی فرد خاصی نقش ایفا کند که متأسفانه عدم دخالت آقای خاتمی و صدور حکم حکومتی باعث شد که امثال علیزاده هم وارد انتخابات شود که هم رأی اصلاح‌طلبان پراکنده شد و هم رأی‌آوری اصلاح‌طلبان سخت شد. اکنون هم عقیده دارم اصلاح‌طلبان می‌توانند با همکاری اقوام ایرانی قد علم کنند. ظرفیت کردها همیشه در انتخابات تعیین‌کننده بوده و خواهد بود. آقای رمضان‌زاده هم نمونه آن است.

بعد از تحولات سال ۸۸ و تغییر جامعه‌شناسی سیاسی و نگرشی ساختار قدرت، فکر می‌کنید رمضان‌زاده هنوز می‌تواند این نقش را نمایندگی کند و داوطلب اصلاح‌طلبان و اقوام ایرانی باشد، شرایط زمانی چقدر تغییر کرده است؟

موضوع مهمی را اشاره کردید. اولا من معتقدم که برخی افراد دوست دارند مسائل را پیچیده کنند و به‌صورت رمز و معما دربیاورند و درنهایت چنان کنند که نیاز به متخصص دارد، اما حضور آقای رمضان‌زاده پیچیده نیست. سیاست آن است که مردم کوچه و بازار و جامعه با آن مواجه‌اند. یعنی مردم بیشتر به این مسائل آشنا‌ترند. مردم سال‌هاست تجربه می‌کنند. یک کارگر ساده و یک شهروند معمولی هم امروز می‌داند که روند سیاست در ایران رو به چه مسیری می‌رود. به‌هرصورت رئیس‌جمهور و کابینه‌ای آمده‌اند و مردم این تجربه‌ها را می‌دانند و آگاه هستند که نقاط و ضعف آنها کجاست. بله، امروز مردم مشکلاتی دارند و با گرفتاری‌های اقتصادی و سیاسی مواجه هستند. قرار نیست به خاطر یک اتفاق که هنوز جای سؤال دارد، موضع‌گیری سیاسی، با نگاهی انحصارطلبانه، فردی را حذف کنیم. نباید نیروهای باسواد و مؤثر خودمان را با اظهارنظر دیگران از دست بدهیم. شما ببینید شخصی مثل دمیرتاش در ترکیه در زندان است، اما کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌شود و حکومت مانع او نمی‌شود. اگر طرف هم رأی نیاورد مهم نیست. مهم‌تر این است که حکومت به درجه‌ای از ثبات رسیده که می‌گوید در هر صورت، کشور متعلق به تمام افراد مختلف است. اگر هر فردی در درون نظام هر انگیزه و گرایش سیاسی دارد، آزاد است و نمی‌تواند مانع فکر و اندیشه دیگران باشد. من عقیده دارم افراد با هر گرایش فکری و سیاسی اگر دلسوز باشند و نیتشان پاک و صادق باشد، می‌توانند به کشور خودشان خدمت کنند و در مدیریت کشور مؤثر باشند. فردی مثل دکتر رمضان‌زاده، نه جرمی مرتکب شده، نه خیانتی کرده، بلکه فکر سیاسی اصلاح‌طلبانه و شناسنامه‌دار دارد و به نظرم تجربه و دانش سیاسی او و شناختی که از محیط بین‌الملل دارد، می‌تواند در شرایط فعلی کشور را به سرمنزل خیر و انجام نیک برساند. درحال‌حاضر به نظرم اگر دکتر رمضان‌زاده خودشان تمایل داشته باشند و به صحنه بیایند، می‌توانند مؤثر واقع شوند. درست است که مردم واقعا دلسرد و بدون تعارف گله‌مند هستند، اما رمضان‌زاده گزینه‌ای است که می‌تواند انتخابات را به مفهوم واقعی خود نزدیک کند و موج اجتماعی ایجاد کند و دلسردی جامعه را پاک کند. مردم درک می‌کنند. از طرفی حاکمیت هم باید به این نتیجه برسد و حتما رسیده است که بی‌تفاوتی مردم به انتخابات، بی‌تفاوتی به نظام است. یعنی هرچه مردم نسبت به انتخابات دلسردتر شوند، درواقع نسبت به حکومت دلسرد شده‌اند. افرادی که علاقه‌مند به نظام هستند، باید زمینه حضور مردم را فراهم کنند. تا مردم بتوانند راهکار و دغدغه‌های خودشان را بیان کنند. به عبارتی با اظهارنظر و رأی مردم، افرادی مسئولیت‌ها را برعهده بگیرند که توان حل مشکل مردم را داشته باشند. امروز ما با انبوهی از مطالبات، کارگران، کارمندان، کشاورزان، سیاست‌مداران و روزنامه‌نگاران مواجه هستیم. انتخابات فرصتی برای طرح و تحقق این مطالبات و تفاهم دوباره است. از طرفی فراهم‌کردن زمینه‌ای که این اقشار بتوانند به صورت واقعی مطالبات آنها را مطرح کند، لازم است. در این شرایط باید افرادی وارد گود شوند که شجاعت، درایت و کفایت لازم را داشته باشند و بتوانند درون سیستم و با جهان پیرامون تعامل برقرار کنند و قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند. باورم این است که رمضان‌زاده با توجه به جایگاه و شناختی که در میان اصلاح‌طلبان، اقوام و مذاهب و مشخصا در میان کردها و با توجه به تجاربی که از گذشته دارد، می‌تواند به‌عنوان چهره‌ای ملی به یاری جامعه گرفتار و مصیبت‌زده ایران بیاید و شرایط فعلی را تغییر دهد. اینجا بحث قومیتی نداریم. مسئله یک مسئله ملی است. اما دکتر رمضان‌زاده محبوبیت خاص خود را دارد. از طرفی اگر دقت کرده باشید، مصداق‌های متعددی در انتخابات از خاتمی تا روحانی داریم که اگر پشتوانه کردها و اهل سنت نبود، در انتخابات پیروز نمی‌شدند. رمضان‌زاده همان گزینه‌ای است که می‌تواند این آرای خاموش و سرد را جلب کند. او هم در سطح ملی و هم میان اقوام و به‌ویژه کردها و اهل سنت محبوبیت دارد و به گمانم چهره‌ای است که اصلاح‌طلبان و اقوام و دلسوزان کشور برای عبور از شرایط فعلی باید سراغ او بروند.

کردها در دوره‌ای که در انتخابات ریاست‌جمهوری از دکتر معین حمایت کردند، تشکیلات غیررسمی به نام شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان کرد داشتند. اما امروز با این خلأ تشکیلاتی مواجه هستیم. به نظر شما کردها و اهل سنت یا دیگر اقوام ایرانی چگونه می‌توانند مطالبات خود را در این انتخابات مطرح کنند و مواجهه آنها با انتخابات چگونه باید باشد؟ به عبارتی کاندیداها برای جلب این قشر از جامعه باید چه کسی را مخاطب خود قرار دهند؟

یکی از عوامل به‌نتیجه‌نرسیدن فعالیت کنشگران قومی و از جمله کردها و حتی اهل سنت، دامن‌زدن به اختلافات توسط عده‌ای خاص و هماهنگ‌نشدن است. نمی‌توان منکر شد که میان این اقشار مانند فعالان ملی و دیگر کنشگران سیاسی، افرادی به دنبال منافع خود هستند. برای منفعت‌طلبان مهم نیست چه کسی مدیریت کشور را بر عهده بگیرد. مگر در همین تهران افرادی با پشتیبانی و موضع‌گیری آقای خاتمی رأی نیاوردند، اما بعدها از موضوع اصلاح‌طلبی دور شدند؟ برخی از همین افراد نماینده به اصولگرایان نزدیک‌تر شدند تا اصلاح‌طلبان. به نظرم در انتخابات پیش‌رو بعید نیست رفتارهای مشابه داشته باشیم. درباره اقوام ایرانی و مشخصا کردها می‌خواهم نکته‌ای را مطرح کنم. بر این باورم که باید بررسی و مطالعه کنیم که ما در این ۴۰ سال چه حقوقی را به دست آورده‌ایم و چه کسانی و جریانی به حقوق و خواسته ما نزدیک بودند، سپس تصمیم‌گیری کنیم. ازآنجاکه به طور کلی حزب در ایران ریشه‌دار و قوی نیست یا دست‌کم زیست سیاسی آن با چالش مواجه است، نمی‌تواند به مفهوم واقعی مطالبات مردم را نمایندگی کند. در غیاب احزاب حرفه‌ای برخی چهره‌ها، مراجع فکری و بعضا تشکل‌های نیمه‌رسمی سیاسی، مدنی و دینی می‌توانند در انتخابات مرجع تلقی شوند؛ کمااینکه تاکنون این‌گونه بوده است. شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان کرد، گروهی بودند که توانستند به صورت فراگیر در مناطق کردنشین در چند بند مشخص مطالبات کردها و تا حدودی اهل سنت را پیش از برگزاری انتخابات مطرح کنند، به‌گونه‌ای که کاندیداهای ریاست‌جمهوری بر آن مهر تأیید زدند و در تأیید آن بیانیه منتشر کردند یا در سخنرانی‌ها موضع‌گیری رسمی در قبال آن داشتند. در تمام کشورهای دنیا مرسوم است که در موسم انتخابات، داوطلب ریاست‌جمهوری، معاون اول و بعضا اعضای کابینه خود را معرفی می‌کند تا مردم متوجه شوند که به چه کسانی رأی می‌دهند. رأی‌دادن اگر آگاهانه و از روی تحقیق نباشد، توهین به خود فرد رأی‌دهنده است. ما در شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان کرد تلاش کردیم همین نکته را ترویج دهیم و بگوییم رأی ما رایگان و بدون تحقق مطالبات به هیچ کاندیدایی تعلق نمی‌گیرد. ما می‌گفتیم هر رأی نشان شخصیت و آگاهی شخص رأی‌دهنده و منش انسانی و فکری اوست. تأکید کردیم که رأی ما تعیین‌کننده است و می‌تواند سرنوشت رأی‌دهنده و بلکه افراد جامعه را تغییر دهد. امروز نیز همین نکات مصداق دارد و رأی باید مطالبه‌گرانه و مشروط به تحقق مطالبات باشد. هر رأی که به صندوق ریخته می‌شود، رأی‌دهنده نظر و عقیده خود را به کاندیدایی به‌عنوان امین خود وکالت می‌دهد. اگر این امانت را به کسی که مطالبه فرد و جامعه را تأمین نمی‌کند و افکار و آرای وی را نمایندگی نمی‌کند، به‌نوعی به خود، جامعه و آزادی و انتخابات اهانت کرده است. بر این باورم که هر کاندیدایی که می‌خواهد آرای اقوام و مشخصا کردها و اهل سنت را جلب کند، باید به صورت شفاف و صادقانه و متعهدانه از مطالبات آنها سخن بگوید و موضع روشن داشته باشد. صریح بگوید که اگر رئیس‌جمهور شد این خواسته‌ها را برآورده می‌کند. پیش‌تر این مطالبه‌گری مطرح نبود و بعضا آرا تحت تأثیر احساسات و بدون تعمق به صندوق‌ها ریخته می‌شد. شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان کرد این معامله سنتی را به هم ریخت و اولین تشکلی بود که این مطالبات را در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح و برجسته کرد. در غیاب چنین تشکل‌هایی و در این دوره که فضای انتخاباتی سرد است، به نظرم کاندیداها چاره‌ای جز مراجعه به نخبگان و مراجع فکری و چهره‌های محبوب مردم ندارند. قاعدتا باید با افرادی که دلسوز مردم هستند و به واسطه دفاع از حقوق مردم پایگاه اجتماعی دارند، وارد مذاکره شوند. لازم است تبعیض‌هایی را که در این سال‌ها اعمال شده ببینند و قول جبران آن را بدهند. اگر هم خارج از این معادلات، آرای مردم بدون پشتوانه فکری و طرح مطالبات به صندوق ریخته شود، همان سرنوشتی را دوباره تجربه می‌کنیم که دیگران آمدند و آرای ما را گرفتند و هیچ پاسخی هم ندادند.

اگر اقوام و مذاهب و مشخصا کردها و اهل سنت کاندیدای خاص نداشته باشند، به نظر شما مشارکت این اقشار در انتخابات ریاست‌جمهوری چگونه باید باشد و مواجهه آنها با این انتخابات چه صورتی به خود خواهد گرفت.

به نظرم مشارکت مشروط حق هر ایرانی است. عرض کردم وقتی که شما به کاندیدای مشخص رأی می‌دهید، حتما باید آگاهانه و از روی تفکر باشد. اگر کسی نمی‌داند به چه کسی رأی بدهد، یعنی اینکه به کشور و شهر خود تعلق خاطر ندارد. رأی ناآگاهانه یعنی اینکه افراد جامعه سرمایه خود را در اختیار کسی قرار می‌دهند و آن فرد آن را به دریا می‌ریزد. هر ایرانی و هر قومیتی در انتخابات این حق را دارد که در انتخابات مطالبات خود را مطرح کند و با کاندیدای خاص به توافق برسد؛ اما باید به سوابق، شجاعت و شعارها و توانمندی‌های داوطلب توجه کند و بداند کاندیدایی که به او رأی می‌دهد، در چه مسیر فکری‌ای قرار دارد و کدام تفکر جاری تاریخ را نمایندگی می‌کند. مردم وقتی مطالبات جمعی خود را در آینه کاندیدایی خاص دیدند، حتما در انتخابات شرکت کنند، اما نباید رأی خود را رایگان به سبد کسی بریزند. ما داوطلبانی داشتیم که وعده دادند و رأی گرفتند و رئیس‌جمهور هم شدند و حاضر نبودند که یک کرد اهل سنت را به‌عنوان استاندار یا وزیر منصوب کنند. ازاین‌رو است که ما تأکید می‌کنیم افرادی را باید حمایت کنیم که توانایی نمایندگی خواسته‌های جامعه و مشخصا اقوام را داشته باشند، به شجاعت و داشتن اراده سیاسی شهره باشند، شور و نشاط اجتماعی بیافرینند و مردم را ناامید و دلسرد نکنند و حقوق مردم را به رسمیت بشناسند.

به‌عنوان پرسش آخر، آیا آقای رمضان‌زاده که مورد توجه شماست این مشخصات را دارد؟

با توجه به شناختی که از دکتر رمضان‌زاده و ظرفیت فکری و دانش سیاسی و مدیریتی او دارم، مطمئن هستم اگر وعده‌ای بدهد، حتما به آن عمل می‌کند. اولا خودش خاستگاه جامعه محروم را دارد و دردها و محرومیت‌ها را می‌شناسد. در استانی مثل کردستان سابقه مدیریت دارد، سخنگوی دولت بوده و در جریان مدیریت کلان کشور بوده و نسبت به تحولات جامعه موضع‌گیری مشخص و آگاهانه دارد. از طرفی در فضای حزبی، پختگی لازم سیاسی را کسب کرده و تجربه‌هایی گران‌سنگ دارد و مهم‌تر از آن در بین مردم ایران و به‌ویژه اقوام و مذاهب محبوبیت خاصی دارد و می‌تواند با پیشنهاد اصلاح‌طلبان و اقوام نماینده شایسته‌ای برای ملت ایران در کسوت ریاست‌جمهوری باشد.

ادامه از صفحه اول

تهاجم سگ‌ها و گربه‌های رها به محیط زیست

... به طور غریزی تکثیرشان افزایش یافته و سپس با تلفیق دو رفتار وحشی (مانند حمله به دیگر جانوران و به‌خصوص حیات وحش و حتی انسان‌ها) و مهربانانه (ایجاد ارتباط با آن گروه از مردمی که به آنها غذا می‌دهند)، به شمار آنها افزوده می‌شود. سگ‌های آزاد با آمیزش با گرگ و شغال، دورگه‌های خطرناکی ایجاد می‌کنند که هم برای انسان و هم برای گونه‌های حیات وحش خطرناک‌اند. تقریبا در هیچ جای ایران به دلیل حضور بیش از حد سگ‌های ولگرد نمی‌توان آزادانه و تنها پیاده‌روی کرد. اطراف و اخیرا حتی تا مرکز شهرها و روستاها از سگ‌های بی‌صاحب پر شده است. چه سگ‌های گله و چه سگ‌های رها، به انسان و سایر جانوران مرتب حمله می‌کنند. اگرچه گربه‌ها کمتر قادر به حمله به انسان هستند، ولی خطراتی جدی مانند حمله به حیات وحش دارند. این کشتار گاهی برای غذا نیست و نوعی رفتار طبیعی حیوان برای شکار است. قربانیان گربه‌ها اغلب جانوران نادر و آسیب‌پذیری هستند که ما شاید آنها را کمتر می‌بینیم و بر اساس آمار در جاهای مختلف ده‌ها گونه در حال انقراض بر اثر حملات سگ‌ها و گربه‌ها از طبیعت حذف شده یا در معرض تهدید شدید قرار گرفته‌اند. پارک ملی سرخه‌حصار در شرق تهران یکی از کانون‌های خطرناک سگ‌ها برای حیات وحش است و در بسیاری از نقاط تهران، سگ‌ها و گربه‌ها، دیگر جانوران اطراف تهران را حذف یا به‌شدت کاهش داده‌اند.

با سگ‌ها و گربه‌های رها چه کنیم؟

متأسفانه رفتارهای نادرست بعضی شهرداری‌ها در برخورد خشن با سگ‌ها و مانور رسانه‌ای درباره آنها از سوی علاقه‌مندان به سگ‌ها و گربه‌ها باعث شده است شهرداری‌ها، ادارات بهداشت و سازمان حفاظت محیط زیست در جمع‌آوری و مدیریت سگ‌ها دچار سستی شوند. حامیان سگ و گربه در ایران به حدی خشن و بی‌رحمانه با هرگونه اظهارنظر علمی برخورد می‌کنند که بسیاری از متخصصان محیط زیست مورد آماج حملات سازماندهی‌شده آنها قرار گرفته‌اند. ترویج فرهنگ غذادهی به سگ‌ها و گربه‌ها و استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای جمع‌آوری پول از داخل و خارج و حمایت یک شبکه ماهواره‌ای، باعث تکثیر شدید این دو حیوان شده است. برای نمونه پارک گفت‌وگوی تهران از «گربه» و پارک پردیسان از «سگ» پر شده و مردم نام این دو پارک را به «پارک گربه‌گو» و «سگ‌دیسان» تغییر داده‌اند. طبق مشاهدات و تحقیقات این نگارنده، در پارک پردیسان افزایش سگ‌ها باعث حذف جمعیت خرگوش به‌عنوان کنترل‌کننده گیاهان علفی یک‌ساله شده است. تغییر پوشش گیاهی، این پارک و دیگر پارک‌ها را مستعد آتش‌سوزی کرده است. ادامه این وضعیت هم برای زیست‌بوم شکننده ایران و هم برای محیط زندگی انسان خطرناک است. رخ‌دادن اتفاق‌هایی مشابه شاهین‌شهر یا کشته‌شدن دو کودک معصوم در لواسان و کرمان می‌تواند زمینه آزار این حیوانات را هم فراهم کند. مدل‌های علمی کنترل سگ و گربه در جهان شناخته شده است. سازمان بهداشت جهانی حیوانات در ۱۱ ماده راهنمای کنترل سگ‌ها را ارائه کرده است. با اقدامات زیر می‌توان با شناخت درست، به کنترل وضع آشفته فعلی اقدام کرد: ۱- انجام پژوهش علمی درخصوص آمار سگ‌ها و گربه‌های رها و صاحب‌دار ایران و خسارت‌های آنها به تنوع زیستی. ۲- ارائه آموزش و نشست‌های تخصصی در رسانه‌ها، به‌خصوص در صداوسیما درباره بایدها و نبایدهای نگهداری حیوانات در خانه و بیرون از خانه. ۳- به‌رسمیت‌شناختن حق مردم در داشتن حیوان خانگی به شرط داشتن شناسنامه، عقیم‌بودن، داشتن گواهی سلامت و بیمه شخص ثالث. برای نمونه در انگلیس و بسیاری از کشورهای اروپایی صاحب یک سگ برای حفظ سلامت کودکان باید مدفوع سگ را در پارک‌گردی جمع کرده و اجازه سگ‌گردی بدون قلاده به کسی داده نمی‌شود. صاحب هر سگ و بیمه مناسب باید کلیه خسارت‌های جانی و روحی ناشی از تعرض حیوان را جبران کند و برای کم‌توجهی صاحب حیوان جریمه‌های سنگینی وضع شده است. ۴- تشکیل کارگروه‌های تخصصی و مشورتی از دانشگاهیان، دامپزشکان، متخصصان محیط زیست، متخصصان بهداشت، پلیس و نمایندگان سمن‌های دوستدار سگ و گربه و خبرنگاران برای همکاری در جمع‌آوری حیوانات بی‌صاحب، عقیم‌سازی و سپردن نگهداری آنها به علاقه‌مندان در خانه یا کمپ. ۵- ممنوع‌کردن هرگونه غذارسانی به حیوانات بی‌شناسنامه و رها یا خارج از کمپ‌های نگهداری.

زنده‌ماندن یا زندگی‌کردن

انتخابات فرصتی برای گزینش یا ساختن؟!

انتخابات شاید در نگاه اولیه تنها زمانی برای انتخاب از میان گزینه‌های پیش‌رو باشد؛ انتخاب میان «زنده‌ماندن» یا «زندگی‌کردن»؛ شاید در این دوره هم نتوان غیر از این رفتاری کرد؛ اما می‌توان با طرح موضوع و ایجاد مطالبه عمومی به سوی «زندگی» پیش رفت. ما نیازمند زندگی هستیم و برای «زندگی‌کردن» ما نباید انگاره‌های رقیب (یعنی «زنده‌ماندن») را نادیده بگیریم؛ بلکه باید برای آن تعاریف و مفاهیم مشخص داشته باشیم. ما نیاز داریم تا درباره امنیت یا استقلال یا معیشت فکر کنیم و مفاهیم سازگار آن را به انگاره «زندگی‌کردن» بیفزاییم. ما نیاز داریم به‌جای نادیده‌گرفتن، این‌بار فرصت بازبینی و بازاندیشی درخصوص «زندگی‌کردن» را به نخبگان و جامعه دهیم. در هشت یادداشت آینده به تفاوت دو نگاه «زنده‌ماندن» یا «زندگی‌کردن» در موضوعات کلیدی مانند شکاف‌های اقتصادی یا اجتماعی خواهم پرداخت. پس از آن هشت یادداشت می‌توان هریک از این مفاهیم را در قالب راه‌حل‌های پیشنهادی برای بحث به اشتراک گذاشت.

www.sharghdaily.ir

آگهی فقدان سند مالکیت آقای /خانم قربانعلی چوپانی باارائه استشهاد محلی مصدق، طی درخواست شماره ۳۳۴۸۶ مورخ ۱۴۰۰/۲/۸ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی ششدانگ یک قطعه زمین بابنای احداثی تحت پلاک ۴۴۹ فرعی از ۱ - اصلی بشماره سریال ۵۹۵۶۳۲ واقع در قریه زید بخش ۹ حوزه ثبتی شهرستان میاندورود که دردفتر الکترونیک - ثبت گردیده و دراثر جابجایی مفقود شده رانموده است . دراجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین نامه قانون ثبت مراتب دریک نوبت آگهی تاچنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف ۱۰ روز ازتاریخ انتشار آگهی اعتراض خود راهمراه اصل سند مالکیت یاسند معامله به اداره ثبت محل ارائه ورسید دریافت نمایند. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد ویادرصورت اعتراض اصل سند مالکیت یاسند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. توضیحات: ضمنا" پلاک مذکور دارای بازداشتی به شماره ۱۴۱۵/۸۱ - ۸۱/۶/۲۴ به مبلغ ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد... م الف ۱۹۹۱۱۹۶۴

قدیر یوسفی نیا رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندورود

خواننده گرامی: کارگاه/شرکت: فانوس ماهیان چابهار درخشان

به‌کارفرمایی/مدیرعاملی/مدیرمسئولی/مدیرتصفیه:
آقای همایون صادقی ورکانی به کد ابلاغیه ۲۲۹۸۷۰۸۵۷۱۳۳۷۳
وآقای انور سجادی به کد ابلاغیه ۲۲۹۸۷۰۷۵۷۱۳۳۶۵
به نشانی:هفت غرب شاهین شمالی– نبش یاسمن– پلاک ۱۵ –واحد –۱۶ کد پستی: –۱۴۷۵۸۴۶۵۹۶ شماره تلفن همراه:۰۹۱۲۲۹۳۰۱۴۷
نظر به اینکه دادخواستی برای شما در اداره تعاون،کار ورفاه اجتماعی مطرح شده است برای اطلاع از مفاد آن وزمان و مکان حضور در جلسه رسیدگی لازم است در سامانه جامع روابط کار ثبت نام نمایید. بدین منظور چنانچه تاکنون اقدام به ثبت نام در سامانه جامع روابط کار ننموده اید با همراه داشتن کارت ملی به یکی از دفاتر پیشخوان دولت مراجعه و ثبت نام نمایید. سپس برای مشاهده دادخواست مربوط به صفحه شخصی خود در سامانه رجوع نمایید.
راهنمای ورود به سامانه:(پس از احراز هویت و ورود به سامانه بر روی گزینه پنجره واحد خدمات کلیک کرده سپس گزینه پنجره خدمات را انتخاب نمایید از نوار اداره کل روابط کار،دریافت دعوتنامه/حکم جلسه رسیدگی با کد ابلاغیه را انتخاب نموده با کلیک بروی گزینه شروع انتخاب نمایید و در فرم ظاهر شده درخواست دریافت دعوتنامه جلسه رسیدگی با کد ابلاغیه را انتخاب نموده و کد ابلاغیه درج شده در این برگه را در کادرکد ابلاغیه موجود وارد نمایید. سپس به قسمت تمام وظایف رجوع نمایید.
تذکر۱ :ثبت نام اشخاص حقوقی در سامانه مستلزم همراه داشتن تصویر آخرین روزنامه رسمی شامل نام مدیر عامل و نشانی قانونی شخص حقوقی است.
تذکر۲ :عدم ثبت نام در سامانه یا عدم حضور در جلسه رسیدگی مانع رسیدگی و صدور رای نخواهد بود.لذا موکدا توصیه میشود به منظور شرکت در جریان رسیدگی و احقاق حقوق خود نسبت ثبت نام در سامانه جامع روابط کار و شرکت در روند دادرسی اقدام فرمایید. لطفا مدارک خود را علاوه بر بارگذاری در سامانه جهت ارائه در روز جلسه رسیدگی،به همراه داشته باشید.
سید هادی شفیعی– مدیر عامل تعاون کار رفاه اجتماعی شمال غرب تهران

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و یک مرحله ای شماره ک م خ /۰۰۱/ ۴۰۰
بلاست و رنگ آمیزی مخزن ذخیره نفت خام شماره ۳

نوبت دوم

شرکت نفت فلات قاره ایران درنظر دارد انجام خدمات فوق الذکر را طبق شرح کار تدوین شده از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای و به مدت "دو سال" به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید:
الف : بلاست و رنگ آمیزی مخزن ذخیره نفت خام شماره ۳
ب : محل اجرای خدمات:
منطقه عملیاتی خارگ واقع در خلیج فارس
ج : مدت خدمات مورد نیاز :
۲۴۰روز
د : شرایط متقاضی:
۱ - توانایی ارائه ضمانتنامه "شرکت در فرایند ارجاع کار" به مبلغ ۲،۴۰۷،۶۲۵،۰۰۰ریال (دو میلیارد و چهارصد و هفت میلیون و ششصد و بیست و پنج هزار ریال) و انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن.
۲ -توانایی ارائه ضمانتنامه "حسن انجام تعهدات" به میزان۱۰ ٪ مبلغ کل قرارداد و نیز کسر ۱۰ ٪ از هریک از پرداخت های قراردادی جهت تضمین حسن انجام کار .
۳ - داشتن رتبه مورد تأیید صادره از سازمان برنامه و بودجه و گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاری مورد تایید اداره کل تعاون ،کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر
و : سایر شرایط
۱ -به تقاضاهای مشروط و مبهم و ناقص ویا مغایر با شرایط مندرج در این آگهی وتقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۲ -شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هریک یا تمام پیشنهادات در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار